

بازپژوهی سویه‌های تربیت معنوی سبک زندگی اسلامی

^۱ سید محمد نوراللهی
^۲ محمد علی رضایی اصفهانی
^۳ محمود قیوم‌زاده

چکیده

اسلام و قرآن با ارائه بینش‌ها، آگاهی‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، احساس‌ها و الگوهای اجتماعی توانسته است بیشترین تأثیر را بر نحوه زیستن انسان‌ها از خود نشان دهد. آخرین دین آسمانی برای تمام نیازهای درونی و بیرونی راهکار نشان داده و با عرضه الگوهای رفتاری متنوع، انسان را به سرمنزل مقصود رهنمون کند و به حیات جاودانه نائل گرداند. الگوهای سبک زندگی مدرن علی‌رغم فرصت‌ها و امکاناتی که در اختیار بشر قرار داده است و به موضوعات مادی و مسایل دنیوی پرداخته، بیماری‌ها و آسیب‌های متعددی را نیز به ارمغان آورده است. اسلام به عنوان آخرین و برترین دین الهی، الگوها و مدل‌های متعادل و جامعی را در اختیار انسان قرار می‌دهد تا آدمی بتواند ضمن رهایی از تهدیدها و آسیب‌ها به سعادت دنیوی و اخروی دست یابد. دین به گونه‌های مختلف می‌تواند در سبک زندگی انسان تأثیرگذار باشد؛ دین حاوی آگاهی‌ها، بینش‌ها و نگرش‌های اصلی است که در سبک دهی به زندگی انسان‌ها نقش آفرین‌اند. دین شناخت‌ها و نگرش‌های اصیلی را در ارتباط با خدا، جهان دیگر و انسان به آدمی می‌دهد تا از این طریق بتواند تصاویر روشن از جهان پیرامون و خویش‌ن داشته باشد. هدف از پژوهش پیش رو این است که اصول و موضوعات سبک زندگی اسلامی که انسان را به حیات طیبه برساند و خوشبختی و صراط را در یابد و به سعادت دنیوی و اخروی برسد از آیات و روایات استفاده کرده است و الگو و روش‌هایی را توضیح می‌دهد که ما بتوانیم آنها در زندگی خود اجرا کنیم و سریع‌تر رشد کنیم تا به سر منزل مقصود برسیم.

واژگان کلیدی

سبک زندگی، زندگی، دین، تربیت معنوی، قرآن، روایات.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن، وحدیث، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

Email: s.m.noorollahi1340@gmail.com

۲. استاد گروه علوم قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: Rezaee.quran@gmail.com

۳. استاد گروه حقوق و معارف اسلامی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران.

Email: maarefteacher@yahoo.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۷/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۱

طرح مسأله

با توجه به تحولات اجتماعی، و تلاش‌ها و تبلیغات رسانه‌های غربی و مدرن ضرورت تبیین سبک زندگی اسلامی به روش کار آمد و توانمند که قابلیت اجرا در زمان‌های مختلف را دارد و کهنه نمی‌شود مورد تحقیق قرار داده است. از همین رو، اگر بتوان الگوهای سبک زندگی را در منابع اسلامی شناسایی کرد و مؤلفه‌ها را به صورت کاربردی بیان کرد تا جهان معاصر بپذیرد. یک مطالعه بسیار مهم انجام شده است و مسلمانان را در مقابل تهاجم فرهنگی و نقشه‌های شوم شیطنانی تقویت می‌کند و به کمال واقعی می‌رساند.

معنویت و اعتقاد و باور به حقیقت و واقعیت هستی از اصیل‌ترین کشش‌های فطری انسان است که اهداف مهم زندگی بشر را جستجو می‌کند. ادیان الهی و آسمانی همواره منابع مهمی برای تقاضای معنوی بشر بوده‌اند و با منابع اسلامی قله معنویت سیر صعودی را به کمال رسانده و بشر را از زندگی مادی نجات داده است و از معنویت‌های کاذب که برخی سکولارها مطرح می‌کنند رهانیده است و ما در این نوشتار به اهمیت معنویت در اسلام پرداخته که به زندگی انسان‌ها حیات طیبه و سعادت و شادی مستمر عنایت می‌کند، می‌پردازیم.

سبک زندگی

سبک زندگی امروزه به قدری گسترده است که بیان یک تعریف عملیاتی دقیق و مورد پذیرش همگان، برای تعیین ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن بسیار دشوار است؛ از این رو، دانشمندان مختلف علوم هر کدام تلاش کرده‌اند تعریفی را بیان کنند که خود پذیرفته‌اند؛ برای نمونه، پاره‌ای سبک زندگی را به الگوهای کنش تعریف کرده‌اند که تمیزدهنده افراد جامعه از یکدیگر؛ (Cf: Chanet, The cultural Turn, p. 4) یا مجموعه‌ای از رفتارهای قابل مشاهده و معنی دار افراد جامعه است. (Sobel, (1981), Life style (Expenditure in comtem). porary American, p. 31

از مجموع تعریف‌های سبک زندگی می‌توان در یک جمع بندی گفت: سبک زندگی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، طرز تلقی‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌هاست که در بیشتر مواقع در میان یک گروه ظهور می‌کند و شماری از افراد، صاحب یک نوع سبک زندگی مشترک می‌شوند. در سبک‌های زندگی، رهیافت‌هایی که ارزش‌ها، تلقی‌ها، سلیقه‌ها و ... به دست آمده است، در قالب زندگی نمایان می‌شود: از طرز پوشش، غذای مورد علاقه، و طرز آراستن، تا معماری، دکوراسیون، تزئین خانه و ... (کافی، مجید، ۱۳۹۷، ص ۱۲)

«سبک زندگی» مفهومی است منظومه‌وار که از پیوند و ارتباط مجموعه‌ای از عوامل مؤثر در شیوه و جغرافیای زیست انسان ایجاد می‌گردد و به دنبال آن یک ابرساختار فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی را پدید می‌آورد. سبک زندگی شامل نظام ارتباطی، نظام معیشتی،

تفریح و شیوه‌های گذران اوقات فراغت، الگوی خرید و مصرف، توجه به مد، جلوه‌های عینی شأن و منزلت، استفاده از محصولات تکنولوژیک، نحوه استفاده از صنایع فرهنگی، نقاط تمرکز علاقه‌مندی در فرهنگ مانند هدف، دین، کار و تولید، خانواده، میهن، هنر، ورزش و امثال آن می‌شود. فهرست رفتارها، نوع چینش آنها، نحوه تخصیص وقت، ضریب‌ها و تأکیدها از جمله متغیرهایی هستند که در شکل‌گیری سبک زندگی دخیل‌اند. مثلاً سبک زندگی ثروتمندان و اشراف، سبک زندگی نظامی‌ها و کشاورزها، سبک زندگی آمریکایی، چینی، ایرانی، سبک زندگی دین‌داران یا حزب‌اللهی‌ها از لحاظ این متغیرها متفاوت است. برخی گفته‌اند الگوی مصرف قابل مشاهده‌ترین و بهترین شاخص سبک زندگی است و قادر است بیشترین ارتباط را میان افراد و موقعیت اجتماعی وی برقرار سازد و از این منظر اهمیت تحلیلی بیشتری دارد. اما باید دانست تحلیل سبک زندگی به بررسی الگوهای مصرف مادی یا فرهنگی محدود نمی‌شود. زندگی عناصری بیش از مصرف را نیز در بر دارد، گرچه مصرف، قابل مشاهده‌ترین و ملموس‌ترین رفتار انسان جدید است. باید دانست که مفهوم سبک زندگی به نسبت زوایای دیدی که بدان پرداخته می‌شود، تعاریف متفاوتی دارد و تابع تفسیر ما از زندگی است و هر هدفی که در زندگی ترسیم گردد به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی پیشنهاد می‌شود و از آنجا که «سبک زندگی» از جمله مفاهیم علوم اجتماعی و مطالعات فرهنگی است باید در تعریف آن گفت که سبک زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، مدل‌ها، الگوها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، سلیقه‌ها، نوع مصرف و وسایل زندگی فردی است که معطوف به ابعاد هنجاری، رفتاری و معنایی زندگی اجتماعی او باشد و شماری از افراد در یک نوع سبک زندگی، اشتراک‌هایی پیدا می‌کنند و این اشتراک‌ها به صورت نمادین در جامعه مطرح و موجب هویت بخشی به شخص و گروه‌های اجتماعی می‌شود. سبک زندگی شکل مدرن گروه‌بندی‌های اجتماعی و منبع هویت انسان است و مانند طبقه یا قومیت به انسان معنی یا حس هویت می‌دهد (عارفی‌جو، مهدی، ص ۲۷ و ۲۸).

مفهوم سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی اسلامی بر اساس قرآن کریم و آموزه‌های دینی است. جهان بینی و دستورات دینی شکل‌دهنده و تأثیرگذار بر سبک زندگی افراد است. طبیعی است در سبک زندگی اسلامی بر خلاف سبک زندگی غربی، هر فردی در زندگی خود باید ارتباط مؤثر با خود و دیگران و خداوند متعال برقرار کند؛ در سبک زندگی غربی اصالت فرد مطرح است و تمام تلاش نظریه‌پردازان غربی این است که افراد به خود توجه کرده و به سود و لذت بیشتر از هر راه دست یابند؛ بنابراین سه چیز در سبک زندگی غرب اصل است: اصالت فرد، اصالت سود و اصالت لذت. باید توجه داشت در سبک زندگی اسلامی هم این مسائل مطرح است، اما اصیل و ذاتی نیست. و بر اساس سبک زندگی دینی، اگر دنیا ارزشی دارد، از آن حیث است که می‌تواند ابزاری باشد

برای نیل به سعادت اخروی و زندگی واقعی، وگرنه به سبب زوال‌پذیری و توأم بودن آن با سختی‌ها و ... ارزش واقعی ندارد و جز بازیچه‌ای موقتی برای کسانی که از خدا غافل شده‌اند نیست «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مؤمنون، ۱۱۵).

اصل معرفت به خداوند و زندگی بر اساس دستورات خداوند متعال و حیات طیبه است و به تمام ابعاد توجه دارد و مؤلفه‌های مختلفی را در بر می‌گیرد که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم.

اهمیت سبک زندگی اسلامی

باورها، ارزش‌ها و سبک زندگی، ارکان اصلی شکل‌دهی به هویت یک جامعه هستند. تمایزات و تفاوت‌های جوامع مختلف نیز به همین سه مؤلفه عمده بازگشت می‌کند. در این میان، لایهٔ رویین و آشکار هویت یک جامعه، سبک زندگی آن است.

هر جامعه‌ای زمانی می‌تواند ثمره و محصول جهان‌بینی و ایدئولوژی خود را به دیگران نشان دهد که سبک زندگی او متناسب با باورها و ارزش‌هایش شکل یافته باشد. بسیاری از جوامع کنونی بشری نتوانسته‌اند میان باورهای بنیادین و ارزش‌های خویش از یک طرف و سبک زندگی خود در حوزه‌های مختلف اجتماعی، ارتباط ایجاد نمایند که جوامع اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. از طرفی، غفلت از مسألهٔ سبک زندگی می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر پیکرهٔ جامعه وارد کند. وقتی مردم نتوانند میان شیوهٔ زندگی خود و باورها و ارزش‌های شان ارتباط برقرار نمایند، بعد از مدتی ممکن است دست از باورها و ارزش‌های خود نیز بشویند و آنان را ناکارآمد تلقی کنند. ضرورت وجود سبک زندگی مطلوب در نگاهی معنوی و اخلاقی به زندگی را می‌توان تأمین هدف انسان که همانا رستگاری و فلاح و نجات است دانست. و حتی در نگاهی مادی نیز این ضرورت به منظور تأمین زندگی راحت و برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی حس می‌شود. اهمیت پرداخت به سبک زندگی اسلامی و تعیین جایگاه مفاهیم مختلف در آن نیز از آن جا مشخص می‌گردد که بدانیم مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی آن ایجاد تمدن نوین اسلامی است و این تمدن دو ساحت دارد: یک ساحت ابزاری که عبارت است از ارزش‌هایی که امروزه به عنوان پیشرفت مطرح می‌شود اعم از علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ و ساحت دیگر، حقیقی و اساسی است که عبارت است از مواردی که متن زندگی را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است همچون مسئله‌ی خانواده و سبک ازدواج، نوع مسکن و لباس، الگو و نوع مصرف مواد غذایی، تفریحات، سبک کسب و کار و دیگر رفتارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی. در این دوران جوامع اسلامی به سبب القانات متعدد دشمنان اسلام مبنی بر عدم کارایی سبک زندگی اسلامی به علت توسعه جوامع و هماهنگی با آن و در تاریخ ماندن آن سبک، وابسته و پیرو سبکی از زیستن گشته‌اند که تهی از هر معنویت و یاد خدا بوده و نتیجه‌ای

جز انحطاط اخلاقی و اجتماعی برای مسلمانان نداشته است و این حقیقتی بود که خداوند به پیامبر و مؤمنین هشدار فرمود: «وَإِنْ تَطَعُ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ». قرآن کریم در این آیه تقلید و پیروی از گروه کافر و غیر حق را مجاز نمی‌داند، بلکه از سویی دیگر این تقلید را زمانی مطلوب می‌داند که در طریق هدایت صورت گیرد: «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ...» یکی از مواردی که هدایت الهی ما را بدان تشویق و راهنمایی می‌کند، تبعیت از خرد و عقل انسانی است یعنی آنچه که عقل سلیم آن را تحکیم می‌نماید نه تقلید کور کورانه و بی‌منطق از سبکی غربی. اگر در جامعه ای سبک زندگی اسلامی نهادینه گردد در نهایت مایه وصول به «حیات طیبه» است؛ زندگی پاکی که از هر گونه نابودی و کمبود و ناکامی و بیم و اندوهی به دور است. (عارفی جو: شماره دیجیتالی ۱۰۴۰۸، ص ۴۰)

یکی از قسمت‌های مهم سبک زندگی تربیت معنوی است که لازم است ابتدا به واژه‌شناسی آن پرداخته و سپس به توضیح آن رسید.

معنای لغوی تربیت

تربیت از ریشه «رَبُّو» (المنجد الابدی، چاپ احمدی، ص ۲۴۴) به معنای افزایش و نمو است به معنی پروردن، پروراندن، پرورش دادن، ادب و اخلاق به کسی یاد دادن (حسن عمید، سال ۱۳۶۲، ص ۳۱۱) و به معنی تغذیه و مراقبت کودک را عهده دار شدن و به دقت درباره او سرپرستی کردن تا اینکه دوره کودکی را تمام کند، این رسیدگی شامل رشد قوای ادراکی و عقلی او نیز می‌شود.

معنای اصطلاحی تربیت

دانشمندان از دیر زمان تا کنون درباره تفسیر این کلمه و آشکار کردن مدلول علمی آن تلاش کرده‌اند، اما به تفسیر واحدی دست نیافته‌اند ولی سعی کردیم کامل‌ترین تعریف را ذکر کنیم.

- ۱- تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی به فعلیت درآوردن استعدادها درونی که در یک شیء هست.
- ۲- تربیت روشی است که به وسیله آن عقل، عقل می‌شود و قلب، قلب می‌گردد.
- ۳- تربیت یعنی رشد دادن قوای کودک به طور متعادل، هماهنگ و کامل.
- ۴- تربیت یعنی مهیا ساختن فرد برای آنکه نخست خویشتن و سپس اجتماع خود را خوشبخت نماید.
- ۵- تربیت یعنی آنچه را که از کمال و جمال ممکن است در اختیار روح و جسم قرار دادن.
- ۶- به فعلیت رسانیدن قوا و استعدادها انسان.

- ۷- آماده کردن فرد برای زندگی در اجتماع معین.
- ۸- ایجاد محیط مساعد برای ارضاء رغبت‌های فرد.
- ۹- رها ساختن فرد از آداب و قیود اجتماعی و فراهم کردن وضع طبیعی برای او.
- ۱۰- رشد قوه قضاوت صحیح.
- ۱۱- راهنمایی جنبه‌های مختلف رشد شخصیت فرد.
- ۱۲- ایجاد دگرگونی مطلوب.
- ۱۳- کمک به فرد برای شناختن خود و محیط خویشتن.
- ۱۴- تأثیر فرد بالغ بر روی فرد نابالغ.
- ۱۵- بروز دادن و به فعلیت رساندن استعدادهای ذاتی موجودات تربیت نامیده می‌شود.
- ۱۶- تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد وجود و به‌طور هماهنگ پرورش داده، شکوفا بسازد و به‌سوی هدف و کمال مطلوب تدریجاً حرکت کند (ابراهیم امینی، ص ۱۴).

ما درصدد آن نیستیم که نقاط ضعف و قوت تعاریف بالا را ارائه نماییم بلکه آنها را از این جهت آوردیم که بدانید در تعریف تربیت، وحدت نظری وجود ندارد؛ اما ما نیز تعریف نسبتاً کلی و فراگیر ارائه می‌نماییم تا دانشمندان و صاحب‌نظران تعلیم و تربیت با دیدگاه‌های متفاوت خود، آن را بپذیرند. آن تعریف این است:

«تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای شکوفا کردن استعدادهای بالقوه انسان در جهت مطلوب».

تفاوت مفهوم تعلیم با تربیت

تعلیم جنبه ذهنی دارد و تربیت جنبه عملی (شکوهی یکتا، ۱۳۶۷، ص ۱۳). چه بسا افرادی که علم و آگاهی نسبت به بسیاری از مسائل دارند اما به هیچ یک از آنها عمل نمی‌کنند اینها فقط تعلیم دیده‌اند اما عمل به تعلیم، تربیت نامیده می‌شود به عنوان مثال یک موقع است که معلم در مورد نماز یا روزه به دانش‌آموز مطالبی را یاد می‌دهد که این تعلیم است ولی زمانی می‌رسد که دانش‌آموز به تعلیمی که دیده عمل می‌نماید و نماز برگزار می‌کند یا روزه می‌گیرد که در این صورت می‌گوییم دانش‌آموز تربیت شده است. بنابراین تعلیم جنبه ذهنی دارد و تربیت جنبه عملی دارد.

اهمیت تربیت در اسلام

در حدیثی رسول خدا (ص) در اهمیت تربیت و هدایت انسان‌ها می‌فرماید: «لَا يَهْدِي اللَّهُ رَجُلًا وَاحِدًا خَيْرٌ لَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا» (الکافی ۵: ۲۸، ح ۴) اگر خداوند به وسیله تو یک فرد را هدایت کند، برای تو بهتر است از دنیا و آن چه که در دنیا است (منیه المرید شهید ثانی صفحه ۱۰)

تصویر انسان اسلام

انسان اسلام سه بعد دارد:

۱- تن: همین مکانیزمی که مشهود است، مثل یک ماشین حرکت می‌کند، شامل اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک، سازمان تنفس، گردش خون، سوخت‌وساز، متابولیسم، فرکانس‌های مغزی و ... می‌باشد. این یک بعد است به نام تن، یک برش از منشور بدن.

۲- اندیشه: بعد اندیشه نه اندیشه مادی که متأثر از فعل و انفعالات مغز می‌باشد، بلکه آن اندیشه‌ای که انسانیت انسان یا موجودیت انسان وابسته به آن است.

ای برادر تو همه اندیشه‌ای مابقی خود استخوان و ریشه‌ای
گر گل است اندیشه تو گلشنی ور بود خواری تو همیه گلخنی

آغاز موجودیت و استقلال انسانی از اندیشه شروع می‌شود و انسانیت انسان یا موجودیت انسان وابسته به اندیشه او است.

چنانچه مولانا می‌گوید:

از یک اندیشه که آید در درون صد جهان گردد بیکدم سرنگون
ولی نه هر اندیشه مهمل بلکه،

فکر آن باشد که گشاید رهی راه آن باشد که پیش آید شهی

ارج و ارز شخصیت و پرستیژ (به قول سیاستمداران) و کاراکتر (به قول روان‌شناسان) و هویت (به قول فلاسفه) یک انسان در طرز تفکر و اندیشه اوست.

روح: بعد سومی که انسان اسلام دارد روح است، «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ». پس چون آن عنصر را متعدل آریم و در آن از روح خویش بدمم همه بر او سجده کنید. به اراده خدا روحی در انسان دمیده شد یعنی در این گل رسوبی، در این لجن و در این مکانیزم خاکی یک شعله الهی، اخگر ماورائی از اوج هستی سرکشیده در گریبان جان انسان سرازیر شده است.

بنابراین آموزش و پرورش در اسلام، باید هر سه بعد را تربیت کند و رشد دهد. اول تن بود، افراد باید نیرومند باشند، باید ورزش کنند، منتهی نه به صورت یک ورزش حرفه‌ای بلکه به صورت

یک تکان و تقویت، که هم برای خود مفید باشد و هم برای جامعه، تیراندازی یک ورزش است، برای مبارزه، دوچرخه‌سواری، موتورسواری، شنا و ... (فایضی، ص ۳۱)

برای تکامل اندیشه و روح که قسمت اصلی زندگی هستند باید برای هر کدام از آنها برنامه‌ریزی کرد و ما در این قسمت به مولفه‌های مهم تربیت اسلامی می‌پردازیم.

هدف‌داری جهان‌عموماً و انسان خصوصاً به‌عنوان یک هدف تربیتی

تعلیم و تربیت نخست این واقعیت تحول‌آفرین را به انسان متذکر می‌شود که دستگاه خلقت عبث و بیهوده و برای بازی نیست و قرآن در سوره صاد چنین می‌فرماید:

«وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَلُّ الَّذِينَ كَفَرُوا قَوْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ» (ص، ۲۷) و ما آسمان و زمین را با هرچه میانشان هست بیهوده نیافریده‌ایم، این گمان کسانی است که کافرند، و اوای از جهنم بر آن کسان که کافرند. باز در سوره آل عمران می‌فرماید:

«الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ قَبْلَنَا عَذَابَ النَّارِ» (آل عمران، ۱۹۱) کسانی که خدا را ایستاده، نشسته، به‌پهلوی و خفته یاد می‌کنند و در خلقت آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند و گویند پروردگارا این را بیهوده نیافریدی پاکی تو راست ما را از عذاب جهنم نگهدار. در سوره مؤمنون هدفدار بودن خلقت انسان را مؤکداً بیان می‌کند و با صراحت و قاطعیت تمام می‌فرماید: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ» (مؤمنون، ۱۱۵) آیا گمان می‌کنید که ما شما را بیهوده آفریدیم و به‌سوی ما بازگشت نخواهید کرد؟

خدا باوری و اعتقاد به توحید

اساسی‌ترین مؤلفه خدامحوری است. اعتقاد به وحدانیت خداوند متعال و توحید در همه ابعاد ذاتی، صفاتی، ربوبی، عبادی، اطاعت، ولایت و حاکمیت.

رسول اعظم (ص) با ندای قولوا لا اله الا الله تفلحو، سعادت را برای همه بشارت داد و پرچم اصالت الله را برای همه بشارت داد و پرچم اصالت الله را در مقابل همه ی انواع شرک برافراشت. در جامعه ای که لذات جسمانی و هواهای نفسانی اصل بود و هدف از خلقت را بهره‌گیری از لذات دنیوی می‌دیدند و شعار ما هی الا حیاتنا الدنیا، نموت و نحیی و ما یهلکنا الا الذهر (چائیه، ۲۴) را مبنای زندگی قرار داده بودند، نبی اعظم (ص) تمدنی را بنیان گذاشت که ستون خیمه آن محوری، اطاعت از فرامین الهی، نفی اله و مبارزه با نظام خدایگانی - بندگی (وَلَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا بَعْضًا اَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ) (آل عمران، ۶۴)، در میان انسان‌ها بود. هرگونه عبودیت انسان برای انسان، جماد، نبات و شهوات و دنیا نفی شد. نه تنها خدایان نفی شدند بلکه اصالت انسان، دنیا و طبیعت نیز، عبادت و بندگی تنها مخصوص خداوند جل و علا شد، اساساً فلسفه بعثت انبیای عظام در توجه دادن انسان‌ها به همین اصالت الله و عبادت خداوند و اجتناب از

هرگونه طاغوت بود:

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ (نحل، ۳۶)

اصالت الله گرچه اصلت انسان و یا به تعبیر امروزی آن اومانیسیم (Humanism) را نفی می‌کرد اما به معنای کم داشت قدر انسان نبود بلکه کرامت و شرافت انسان را به دنبال داشت و عامل شکوفایی وجود او بود. دلیل این مدعا سخن خداوند در قرآن جاوید است آن جا که فرمود:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ (اسراء، ۷۰) و همچنین سخن نبی اکرم است که فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى كَرِيمٌ يُحِبُّ الْكَرَمَ (کنز العمال : ۱۵۹۹۱) همانا خدای متعال برگوار است و

کرامت را دوست می‌دارد.

نتیجه اینکه زندگی در صراط مستقیم، اصالت الله و کرامت انسان زندگی واقعی است و

گر نه با انسان محوری، دنیاگرایی و نظام ارباب - رعیتی نمی‌توان به زندگی واقعی رسید.

تعلیم و تربیت اسلامی همواره می‌کوشد که ایمان به خداوند را به عنوان یک هدف نهایی و اصلی در جان انسان‌ها زنده کند، در قرآن کلمه «الله» در آیات مختلف تکرار شده است و به این ترتیب می‌خواهد انسان‌ها را با مبدأ آفرینش پیوند دهد، دعوت انبیا و اولیاء الهی بر اساس توحید و به سوی حق تعالی می‌باشد و سرلوحهٔ رسالتشان خدا و در تمامی تعالیمشان خدا مطرح بوده است. توحید در هر دو جنبهٔ نظری و عملی آن مورد توجه انبیا بوده است و لازمهٔ آن نفی هرگونه شرک اعم از نظری و عملی می‌باشد. این مقصد و منظور در رسالت رسولان حق اصل است و وظیفه و هدف تعلیم و تربیت اسلامی می‌باشد. فریاد همهٔ انبیا الهی این بوده است که خدا بپرستید و از طاغوت دوری گزینید، چنانچه قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ...»

انسان خدا محور باید تقوی الهی را رعایت کند. تقوای الهی یعنی این که انسان خود را از آنچه از نظر دین و اصولی که دین در زندگی معین کرده، خطا، گناه، پلیدی و زشتی شناخته شده، حفظ و صیانت کند و مرتکب آنها نشود. تقوا در درجه اول و به طور مستقیم از ناحیه اخلاقی و معنوی به انسان آزادی می‌دهد و او را از قید رقیبت و بندگی هوا و هوس آزاد می‌کند، رشته حرص، طمع، حسد، شهوت و خشم را از گردنش برمی‌دارد، ولی به طور غیرمستقیم در زندگی اجتماعی هم آزادی‌بخش انسان است.

رقیبت‌ها و بندگی‌های اجتماعی نتیجه رقیبت معنوی است. آن کس که بنده و مطیع پول و یا مقام است نمی‌تواند از جنبه اجتماعی، آزاد زندگی کند.

با توجه به این که منشأ بیشتر گرفتاری‌های هر کسی خود اوست و هر کسی خودش بالاترین دشمنان خودش است و هر کسی خودش سرنوشت خود را تعیین می‌کند، غالب رفتارهای هر کسی با خودش خصمانه است. اغلب گرفتاری‌هایی که برای ما پیش می‌آید از

خارج نیامده، خودمان برای خودمان درست کرده‌ایم. با توجه به اینها خوب واضح می‌شود که سلاح تقوا چه اندازه مؤثر است در این که انسان را از فتنه‌ها دور نگه می‌دارد، به فرض این که در فتنه واقع شد تقوا او را نجات می‌دهد (آذرشب و میرمردی، ۱۳۹۳: ۶)

علم و دانش

علم و دانش در اسلام اهمیت بسیار دارد که اولین آیات نازل شده بر پیامبر اسلام (ص) با آن آغاز شده است و خداوند متعال درجه و رتبه دو گروه را بالا برده است (يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ) خدای تعالی به کسانی که ایمان آورده‌اند از شما و صاحبان علم می‌باشد درجات و مقام مرحمت فرماید. (تحفه الاخیار فی ترجمه جامع الأخبار، ص ۵۹) و آنان مؤمنین و دانشمندان هستند. پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) نیز در مقام مبلغان دین، مسلمانان را مکلف می‌دانند که دانش را حتی در دورترین نقاط فرا گیرند. علم و دانش اعتقادات دینی را استدلالی و راسخ می‌گرداند و پایه‌های دینی و باورهای عقل و سنت‌های الهی را محکم می‌کند. نقش علم در کاهش زندان‌ها، قتل، غارت، مواد مخدر، قاچاق، تصادفات، بیماری‌ها، طلاق و مانند آن بسیار مؤثر است و در افزایش امنیت، قدرت، استقلال، تولید، انتخاب دین و همسر و شریک تاثیر بسیار مهمی دارد و اولین آیات قرآن کریم با علم آغاز شده است.

إِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (علق، ۱-۴)

پیامبری که خدایش اولین معلم است و آموزگار سخن قرآن تعلیم می‌دهد و بیان می‌آموزد: الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (الرحمن، ۱-۴)
فرستاده‌ای که قلم و نوشته در کتاب آسمانی اش چنان مقدر است که خداوند بدان سوگند یاد می‌کند:

ن وَالْقَلَمِ وَ مَا يَسْطُرُونَ (قلم، ۱)

بر این اساس نیازی به استدلال ندارد که بدانیم علم و دانش در اسلام از چه جایگاه رفیعی برخوردار است و به همین میزان چه سهمی باید برای آن در تمدن سازی نوین اسلامی قائل شد. در تمدن نبوی از معیارهای برتری افراد در جامعه یکی علم و معرفت است چه اینکه در قرآن کریم خداوند در کنار تقوا، جهاد و ایمان، صاحبان علم را رفعت درجه داده است:

يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ (مجادله، ۱۱)

در آموزه‌های اسلامی دانایان با نادانان برابر نیستند:

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ (زمر، ۹)

این آیات عالم پرور است چون از بین بندگان خداوند عالمان اهل خشیت‌اند:
إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ (فاطر، ۲۸)

به فرموده رسول خدا (ص) نزدیک‌ترین مردم به درجه پیامبری دانشمندان و جهادگرانند. در زندگی اسلامی دانشجویی واجب و دانش‌پژوهان محبوب خدایند. در این سبک زندگی تفکر دانشمند بر عبادت عابدان افضل است و پژوهشگران و دانش‌طلبان در زمانی که در جستجوی دانش‌اند در راه خدا کار می‌کنند.

در تمدن مطلوب نبی اعظم (ص) نگاه محبت‌آمیز به چهره اساتید عبادت است:

الَّنَظْرُ فِي وَجْهِ الْعَالِمِ حُبًّا لَهُ عِبَادَةٌ (بحار الأنوار : ۱/۱۴/۱۹۵)

حیات در این تمدن اساساً به علم است علم آب حیات است و در بین جاهلان دانش‌پژوهان چون زندگان بین مردگانند.

ملائکه خداوند با وجود مقام عرشی بال‌های خود را فرش دانشجویان قرار داده برای آنان آموزش می‌طلبند سبک زندگی نبوی به گفته رسول خدا (ص) گام نهادن در مسیر علم قدم گذاشتن در راه بهشت است و این باور وجود دارد که در حقیقت علم و معرفت سرآمد همه خوبی‌ها و نادانی ریشه همه ی بدی‌هاست.

بنابراین از ویژگی‌های سبک زندگی نبوی علم‌گرایی است. تولید دانش و یا به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای جنبش نرم‌افزاری یک اصل بنیادی است. از سخنان رسول گرامی اسلامی (ص) این نکته به دست می‌آید که کلید این جنبش پرسش علمی است و با این عمل است که درهای بسته معادن علم فتح می‌شود و همه دست‌اندرکاران آن از پاداش الهی برخوردار می‌گردند، آنجا که فرمود:

أَلْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَفَاتِيحُهُ السُّؤَالُ فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ يُؤَجِّرُكُمْ بَعْدَهُ: السَّائِلُ وَالْمُتَكَلِّمُ وَالْمُسْتَمِعُ وَالْمُجِيبُ لَهُمْ (تحف العقول عن آل الرسول (ص)، ج ۲، ص ۴۱)

علم را گنجینه‌هایی است که کلیدهای فتح آن سوال است. پس خدایتان رحمت کند، بپرسید با این کار چهار نفر پاداش می‌گیرند: پرسشگر، پاسخگو، شنونده و دوستدار آنها.

بی‌گمان چنین نگاهی به علم و معرفت در منظر خدا و رسول (ص) است که شکوفایی دانش را در جهان اسلام به ارمغان آورد به گونه‌ای که تعجب‌غریبان عصر تاریکی یا قرون وسطی را برانگیخت و همین نهضت تولید علم و نرم‌افزاری مسلمانان و شکوفایی تمدن برآمده از آن بود که در گذشته زمینه‌ساز بسیاری از اختراعات و ابتکارات در جهان غرب شد چنان که دانشمندان منصف آن دیار معترف‌اند. امروز نیز شکوفایی علم در مقولاتی چون دانش هسته‌ای، سلول‌های جنینی، علوم نظامی و تسلیحاتی در نظام جمهوری اسلامی ایران را باید مرهون همین شاخص برشمرد.

انسانی سوق می‌دهد، عقل و ایمان در کنار هم حکم دو بال را دارند که در مسیر تکامل انسان او را مدد می‌کنند.

قوانین دینی

قوانین و مقررات دینی که برگرفته از قرآن کریم و آموزه‌های نبوی و معصومین و اجماع فقهاء و عقل است، همه ابعاد زندگی و دقایق حیات فردی و اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه اسلامی را شامل می‌شود و برای انسان از تولد تا مرگ و برای آخرت برنامه دارد و آن چنان کامل است که برای همه زمان‌ها مفید و قابل استفاده است به عنوان مثال علم و دانش، کار کردن، رعایت بهداشت، هدیه دادن، امانت‌داری، احسان، عدالت و کمک به مظلوم همیشه خوب است و شرک، کفر، نفاق، ضلالت، گمراهی، دروغ و ظلم همیشه بد است و مانند زرتشت و امثال آن نیست که به کردار نیک و گفتار نیک و پندار نیک بسنده کرده باشد و هر فردی هر کاری انجام می‌دهد اسمش را نیک بگذارد مثلاً فردی آب خوردن را نیک می‌داند و فرد دیگر مشروب خوردن را نیک می‌داند و یا فردی کمک به فقراء را نیک می‌داند و دیگری کمک نکردن را یکی کمک کردن به مظلوم را نیک می‌داند و دیگری بی‌تفاوتی را نیک می‌داند و وقتی در جرمی همه اتفاق نظر داشتند مثلاً دزدی ظلم است مجازاتی برای آن نیست.

ولایت مداری

ولایت به معنای حاکمیت و سرپرستی دیگران است. ولی یا حاکم جامعه کسی است که اجازه‌ی تصرف در امور دیگران را دارد. از آن جا که همه‌ی انسان‌ها در خلقت برابرند اصل این است که کسی را بر دیگری فرمانروایی نیست و هیچ کس اولاً و با لذات حق تصرف در نفوس و اموال دیگران را ندارد. این تصرف تنها حق مالک اشیاء و یا کسی است که از طرف مال اجازه داشته باشد. همه می‌دانیم که در حقیقت مالک اصلی خداست.

بنابراین اوست که حق تصرف در امور انسان‌ها را دارد و یا کسانی را که او اجازه بدهد. بر این پایه اصل در تمدن نبوی ولایت الله است قرآن کریم به صراحت انحصار حاکمیت در الله را بیان می‌کند:

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ (شوری، ۹)

بنابراین در تمدن برخاسته از اسلام محمدی (ص) ولایت تنها با خداست و خداوند با تربیت انسان‌های شایسته اجازه‌ی حاکمیت به آنان نیز داده است چنانکه امام صادق (ع) درباره‌ی پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَدَبَ نَبِيِّهِ فَأَحْسَنَ أَدَبَهُ فَلَمَّا أَكْمَلَ لَهُ الْأَدَبَ قَالَ «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ» ثُمَّ فَوَّضَ إِلَيْهِ أَمْرَ الدِّينِ وَالْأُمَّةِ لِيَسُوَسَ عِبَادَةَ فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ «مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَانَ مُسَدِّدًا مُوَفَّقًا مُؤَيِّدًا بِرُوحِ الْقُدْسِ لَا يَزِلُّ وَ لَا

يُخِطِي فِي سَيِّءٍ مِّمَّا يَسُوْسُ بِهِ الْخَلْقَ فَتَأَدَّبَ بِأَدَابِ اللَّهِ. (شیخ کلینی، ج ۱، صفحه)

همانا خداوند بزرگ، پیامبرش را تربیت کرد پس ادبش را نیکو نمود و چون تربیتش کامل شد فرمود تو دارای اخلاق بزرگی هستی. سپس سرپرستی دین و امت را به او تفویض کرد تا بندگان را اداره کند، بر این اساس خداوند به مردم دستور داد که هر آن چه پیامبر (ص) شما را بدان امر کرد انجام دهید و از هر چه نهی فرمود خودداری کنید. همانا رسول خدا (ص) استوار، موفق و مؤید به روح القدس بود و هرگز در هیچ بخشی از اداره امور مردم خطا و اشتباه نمی‌کرد چون پرورش یافته به آداب الهی بود. روشن است که خداوند ولایت خود را از مجرای رسولان خود و هم‌پدر از آنان اعمال می‌کند چنان که فرمود:

أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ (نساء، ۵۹) خدا را رسول را و صاحبان امر را اطاعت کنید.

رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: در اسلام سرپرستی جامعه متعلق به خدای متعال است، هیچ انسانی این حق را ندارد که اداره امور انسان‌های دیگر را بر عهده بگیرد. این حق مخصوص خدای متعال است که خالق و منشی و عالم به مصالح و مالک امور انسان‌ها بلکه مالک امور همه ذرات عالم وجود است... خدای متعال این ولایت و حاکمیت را از مجاری خاص اعمال می‌کند یعنی آن وقتی که هم حاکم اسلامی و ولی امر مسلمین که براساس تعیین شخصی آن چنان که طبق عقیده ما در مورد امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام تحقق پیدا کرد و چه بر اساس معیارها و ظواهر انتخاب شده وقتی این اختیار به او داده می‌شود که امور مردم را اداره بکند باز این ولایت خداست. در این جامعه از هر نوع طاغوتی باید اجتناب کرد «وَاجْتَنِبُوا الطَّاعُوتِ» (خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۷، ص ۵۷۷).

بنابراین ولایت مداری ویژگی برجسته تمدن نبوی (ص) است براین مبنا مشروعیت حاکمیت و نظام سیاسی الهی است و البته مقبولیت مردمی رکن مهم تحقق آن است. قوانین بر اساس ولایت مشروعیت می‌یابند، منشأ قوانین الهی و هرگونه قانونگذاری در چهارچوب شرع مقدس ممکن است.

در تمدن نبوی اصل بر شایسته‌سالاری است و شایستگی را نیز خداوند در ایمان، جهاد، علم و تقوا قرار داده است، لذا حدیثان قدرت و ثروت و مقام در آن جایگاهی ندارد چنانکه رسول خدا (ص) فرمود:

إِنَّا وَ اللَّهُ لَا نُؤَلِّي عَلَى هَذَا الْعَمَلِ أَحَدًا سَأَلَهُ وَ لَا أَحَدًا حَرَصَ عَلَيْهِ (صحیح مسلم: ۱۴/۱۴۵۶/۳)

به خدا سوگند ما کسی را که خواستار... این کار (قدرت) باشد یا بر آن حرص بورزد به کار نمی‌گماریم.

همان طور که فرمود: هرکسی از میان گروهی کسی را به کار گمارد در حالیکه در بین آنها خداپسندتر از او وجود دارد، به خدا خیانت کرده است و هر کس که زمام امور کاری از مسلمانان را به کار گیرد و به آنان خیانت کند، جایگاهش آتش است.

بدیهی است هر تمدن نوینی که براساس اسلام بنا شود، ولایت‌مداری رکن اصلی آن است و بدون رهبری ولایی کار به سرانجام نمی‌رسد.

الگوی ولایت مدار

قرآن کریم سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) را الگویی برای زندگی مسلمانان قرار داده است: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (احزاب، ۲۱).

به یقین برای شما در (روش) فرستاده خدا (الگویی برای) پیروی نیکوست، برای کسانی که امید به خدا و روز بازپسین دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۶)

انسان مسلمان هم قانون همه‌جانبه دارد و هم الگوهای کامل و معصوم که جزء اصول دین و جهان‌بینی اوست که هدف از زندگی و مسیر او را مشخص می‌کند. آن چنان مغناطیسی دارد که انسان را سریع‌تر به مقصد می‌رساند، از انحرافات نجات می‌دهد، به توفیقات او می‌افزاید و او را به کمال می‌رساند. (أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) (نساء، ۵۹)

ولایت به معنای حاکمیت و سرپرستی دیگران است. ولی یا حاکم جامعه کسی است که اجازه تصرف در امور دیگران را دارد. از آنجا که همه انسان‌ها در خلقت برابرند اصل این است که کسی را بر دیگری فرمان‌روایی نیست و هیچ کس اولاً و بالذات حق تصرف در نفوس و امور دیگران را ندارد. این تصرف تنها با کسی است که از طرف خدا اجازه داشته باشد. همه می‌دانیم که مالک اصلی خداست.

اساساً فلسفه بعثت انبیای عظام در توجه دادن انسان‌ها به همین اصالت الله و عبادت خداوند متعال و اجتناب از هر گونه طاغوت و عبودیت انسان و شهوات و دنیا بود (ولا یتخذ بعضنا بعضا اربابا من دون الله) (آل عمران، ۶۴).

پیروی از پیامبر (ص) و پاره زنجیرهای اسارت به عنوان یک هدف تربیتی

هدف‌های تعلیم و تربیت اسلامی در حقیقت همان هدف‌های متعالی پیامبر اسلام (ص) است. قرآن کریم در سوره اعراف آنجا که نشانه‌های اهل تقوی را بار می‌گوید، می‌فرماید: «تقوای پیشگان کسانی هستند که از پیامبری پیروی می‌کنند که آمده است تا نظامی عقلانی و هماهنگ با فطرت تسلیم انسان‌پی‌ریزی نماید و باورهای سنگین و زنجیرهای گران را از پشت دست و پای بشر بردارد، زنجیر جهل و نادانی را از طریق دعوت پیگیر و مستمر به علم و دانش و زنجیر بت‌پرستی و خرافات را از راه دعوات به توحید و زنجیر هوای نفس را از راه تزکیه و

زنجیر انواع تبعیضات و زندگی طبقاتی را از طریق دعوت به اخوت دینی پاره نماید.» در سوره اعراف می‌فرماید:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْنُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف، ۱۵۷) هم آنان که پیروی کنند از آن رسول (ختمی) و پیغمبر امی که در تورات و انجیلی که در دست آنهاست (نام و نشان و اوصاف) او را نگاشته می‌یابند که آنها را امر به هر نیکویی و نهی از هر زشتی خواهد کرد و بر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال، و هر پلید منفور را حرام می‌گرداند، و احکام پر رنج و مشتقی را که چون زنجیر به گردن خود نهاده‌اند از آنان برمی‌دارد (و دین آسان و موافق فطرت بر خلق می‌آورد). پس آنان که به او گرویدند و از او حرمت و عزت نگاه داشتند و یاری او کردند و نوری را که به او نازل شد پیروی نمودند آن گروه به حقیقت رستگاران عالمند.

پویندگی

از مشخصات یک تعلیم و تربیت خوب جنبه پویندگی آن است. پویایی هر نظام به جنبه عقلانی آن نظام ارتباط دارد. بنابراین وقتی می‌گوییم فلان نظام تعلیم و تربیت پویا است باید از نظر عقلانی یا منطقی قابل قبول باشد، تربیت اسلامی پویا است، چنانکه اسلام در تمام ابعاد و جنبه‌هایش پویاست، کلمه پویا در جامعه‌شناسی زیاد کاربرد دارد. از نظر جامعه‌شناسان، جامعه یا پویاست یا ایستا، جامعه‌ای که پویا تلقی می‌گردد که در آن تحول و تغییر پیوسته صورت گیرد و در صورتی که در جامعه‌ای تحول و تغییر نباشد آن جامعه ایستا است. در جامعه ایستا همه چیز ایستا است، فرهنگ، قانون، حکومت، فلسفه، جهان بینی ایدئولوژی و بالاخره مکتب، اما در یک نظام پویا عکس مطلب است، در یک نظام تربیتی پویا اصول، اهداف، روش‌ها، محتوا و نگرش به انسان، همه از نظر عقلانی و منطقی قابل بررسی و توجیه هستند، قرآن به عنوان یک کتاب تعلیم و تربیت اصیل در آیاتی درجا زدن یا میخکوب شدن و عقب گرد کردن و پیروی از عادات و آداب و سنن غلط اجتماعی را محکوم می‌کند به عبارتی ایستایی را محکوم می‌کند.

در سوره توبه چنین می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَنْتَاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، جهت چیست که چون به شما امر شود که برای جهاد در راه خدا بی درنگ خارج شوید به خاک زمین دل بسته‌اید؟ (میخکوب می‌شوید) آیا راضی به زندگانی دنیا عوض حیات ابدی آخرت شدید؟ متاع دنیا در پیش عالم آخرت اندک و ناچیز است. در حقیقت فرمان به جهاد، فرمان

پیش روی و تکامل است آنها که خواهان پیشروی و تکامل هستند این فرمان پویندگی را به جان و دل اطاعت می‌کنند ولی کسانی که در این مسیر نیستند می‌خکوب می‌شوند و درجا می‌زنند.

عدالت‌خواهی به‌عنوان یک هدف

هدف دیگری که در اسلام مطرح بوده است برقراری «عدل» در جامعه بین افراد می‌باشد، ایجاد قسط نه‌تنها مقصدی از رسالت پیغمبران الهی است بلکه وظیفه‌ای برای تمامی مردم می‌باشد، چنانچه قرآن می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵) آیه فوق فاعل و برپاکننده قسط را مردم می‌داند و نه پیامبران و این نیز بر هر مسلمانی پوشیده نیست که فقط عدل و قسط در سایه احکام الهی خواهد بود و قرآن در جای دیگری خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «قُلْ أَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ» (اعراف، ۲۹) به مردم بگو پروردگار من به برپاداشتن عدل فرمان داده است، بنابراین این عدالت پایه و اساس حیات فردی و جمعی را تشکیل می‌دهد.

همگانی و جاودانه بودن تعلیم و تربیت اسلامی

اسلام دین کامل است و محدود و منحصر به زمان و مکان خاصی نیست و دینی است که برای همگان آمده است. روی سخن قرآن با «ناس» است، بنابراین اسلام مکتبی جهانی است و پیامبرش نیز جهانی است. قرآن می‌فرماید: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» (اعراف، ۱۵۸) در این آیه صحبت روی ناس است و پیامبر (ص) رسالت دارد که تعلیم و تربیت الهی را به همگان ابلاغ نماید، بنابراین پیامبر (ص) تنها پیامبر مکه و مدینه نیست. سخن او که از وحی الهی نشأت گرفته شده است برای همگان است. لذا در چارچوب مرزهای جغرافیایی محدود نمی‌شود، بلکه پیام او عام است و خطاب به همه انسان‌ها است، دعوت او جهانی است و اختصاص به گروه و طبقه خاصی ندارد، نبی اکرم (ص) خاتم انبیا الهی و آخرین رسولان پروردگار است. دستورات پیامبر تا روز قیامت ادامه دارد «حَلَالُهُ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ» (شیخ کلینی، ج ۱، ص ۵۸، ح ۱۹) و از جهت دیگر در بردارنده تمام نیازهای فردی و اجتماعی انسان می‌باشد و آنچه بشر برای نیل به سعادت لازم دارد اسلام به به بیان آن پرداخته است. چنانکه که قرآن می‌فرماید «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام، ۳۸) این ادعای صریح قرآن است که هیچ چیز را در این کتاب فروگذار نکردیم.

آخرت‌گرایی

آخرت‌گرایی در بخش بینشی به معنای اعتقاد و در بخش گرایش به معنای گرایش قلبی به زندگی پس از مرگ (معاد) است. آخرت‌گرایی اگر به معنای بی توجهی به زندگی این دنیایی باشد، در سبک زندگی اسلامی جایی ندارد؛ ولی اگر به معنای این باشد که زندگی این جهانی مقدمه‌ای بر زندگی آن جهانی است، مورد تاکید آموزه‌های دینی و اسلامی است. با توجه به

آموزه‌های انعطاف‌پذیر قرآن، در اسلام هیچ تعارضی بین دین و دنیا نیست و در نتیجه رهبانیت، عزلت (گوشه‌نشینی) و ترک دنیا در اسلام جایگاهی ندارد. اعتقاد داشتن یا نداشتن به آخرت و معاد می‌تواند در سبک زندگی هر فردی تاثیرگذار باشد.

از ویژگی‌های تعلیم و تربیت اسلامی این است، در همان حال که توصیه به تأمین دنیا دارد حیات اخروی را برتر و جاودانه معرفی می‌کند:

در آیات و احادیث آخرت برتر از دنیا معرفی شده است، قرآن در سوره اعلی می‌فرماید: «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (اعلی، ۱۷) زندگی اخروی بسی بهتر و جاودانه است.

نتیجه‌گیری

آنچه در این پژوهش سعی شد تا با توکل و استعانت از خداوند، در حد توان، به آن بپردازیم، واکاوی نگره قرآن به جنبه‌های تربیتی و معنوی سبک زندگی اسلامی بود تا از رهگذر آن سبک زندگی مورد نظر قرآن در ساحت موضوع مذکور به دست آمده و پاسخگوی شبهات وارده در این زمینه باشد. قرآن کریم و منابع اسلامی همه ابعاد زندگی و سعادت اخروی و دنیوی توجه کرده است و به عقل توجه ویژه‌ای دارد و اگر انسانها بخواهند زندگی کامل و هدفمند داشته باشند که همه نیازهای بشر را پاسخ دهد و انسان را از عبث و بیهودگی نجات دهد و به خانواده و جامعه و انسان‌ها، هدف و نظم تکامل و پیشرفت آرامش و امنیت عنایت کند فقط باید دین اسلام را الگو قرار داد و از معصومین (ع) پیروی کرد تا به سعادت واقعی رسید.

تحقیق و بررسی پیرامون سایر ساحت‌های این موضوع همچون نقد و بررسی نظرات مکاتب مختلف درباره و مقایسه آن با مکتب اسلام، رابطه کاربست با روان انسان (محاسن و آسیب‌ها) از منظر قرآن و روایات، آسیب‌شناسی گرایش نخبگان به و تأثیرات آن در زندگانی عوام جامعه از منظر قرآن و سنت، بررسی رابطه تجمل‌گرایی و قدرت در گفتمان مکتب دفاعی اسلام و بسیاری دیگر از موضوعات مشابه می‌تواند تا پژوهشگران و اصحاب قلم بدان اهتمام ویژه ورزند.

فهرست منابع

- قرآن کریم
۱. ابن حجاج قشیری نیشابوری، مسلم، (۱۴۱۵ق)، صحیح مسلم، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴/۱۴۵۶/۳.
 ۲. ابن حسام الدین هندی، علاءالدین علی المتقی، (۱۴۱۵ق)، کنز العمال، بیروت، دار الکتب العلمیه، : ۱۵۹۹۱.
 ۳. امینی، ابراهیم، اسلام و تربیت، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، جلد ۱، چاپ اول، ص ۱۴.
 ۴. آذرشب، معصومه و میرمرادی، عیسی، (۱۳۹۳)، شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی، مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی تحقیق و توسعه در هزاره سوم دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی آباد کتول، ص ۱-۱۲.
 ۵. تحف العقول، الحسن الحرانی (ابن متعبه الحرانی).
 ۶. حسینی، سید حسین، (۱۳۶۳)، تحفه الاخیار فی ترجمه جامع الأخبار، قم، چاپ اول، انتشارات امام صادق (ع).
 ۷. خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۷)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، چاپ پانزدهم، چاپ سلمان فارسی، انتشارات مؤسسه ایمان جهادی، ص ۵۷۷.
 ۸. رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۹۶)، سبک زندگی قرآنی (۱) مبانی و اصول عام سبک زندگی، قم، دفتر نشر معارف، ص ۳۸.
 ۹. شکوهی یکتا، محسن، (۱۳۶۷)، تعلیم و تربیت اسلامی (مبانی و روش‌ها)، تهران، شرکت چاپ و نشر ایران، ص ۱۳.
 ۱۰. شهید ثانی، منیه المرید فی آداب المفید و المستفید، انتشارات علمیه اسلامی.
 ۱۱. عارفی جو، مهدی، نقش و جایگاه زینت و تجمل در سبک زندگی اسلامی، (شماره دیجیتال ۱۰۴۰۸) مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان.
 ۱۲. علامه مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ناشر اسلامیه، چاپ تهران، سال چاپ: مختلف، نوبت چاپ: مکرر، ج ۶۸، ص ۳۲۹.
 ۱۳. عمید، حسن، (۱۳۶۲)، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، ص ۳۱۱.
 ۱۴. فایضی، علی، آشتیانی، محسن، (۱۳۷۵)، مبانی تربیت و اخلاق اسلامی، چاپ اول، قم، چاپ دانش، انتشارات روحانی.
 ۱۵. فعالی، محمد تقی، (۱۳۹۶)، مبانی سبک زندگی اسلامی، مؤسسه دین و معنویت آل یاسین، قم.
 ۱۶. کافی، مجید، (۱۳۹۷)، سبک زندگی اجتماعی با تأکید بر آیات قرآن، چاپ اول، قم، ص ۱۲.
 ۱۷. کاویانی، محمد، (۱۳۹۶)، سبک زندگی خانوادگی از دیدگاه قرآن و مدرنیته، مجله تربیت اسلامی، شماره ۲۴.
 ۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶۶، باب التفویض الی رسول الله حدیث ۴.
 ۱۹. الکافی (دارالکتب الاسلامیه) ج ۱، ص ۵۸، ح ۱۹.
 ۲۰. معین، محمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی معین، تهران مؤسسه انتشارات امیرکبیر، هشتم.
 ۲۱. المنجد الابدی، چاپ احمدی، انتشارات فقیه، تهران، ص ۲۴۴.